

## چند کتاب از صاحب تبروف

بخارا می گوید: «این فرقه مدحش فقط به دستگیری یک بخت بی شعور سوارسمند حکمرانی گشته، با سرگرمی تمامی مال، جان، ارض، ناموس، شرف و آسایش رعیت بدبخت را پایداری می نمایند.» (ص ۱۲)

حاکمان زمان اجازه ندادند که این رساله در قلمرو بخارا پخش گردد. اما، همانند «صیحه» و «مناظره»، پنهانی انتشار می یافت.

### ۲- وصف وطن در اشعار عبدالرؤف فطرت (دوشنبه، ۲۰۰۱؛ ص ۵۰)

فطرت شعر هم سروده؛ به گفته تذکره نگار میرزاسلیم بیک سلیمی، «شعرهای ملی و وطنی شورانگیز می نویسد.» (ص ۵) تخلص شاعرانه او «مجمر» بوده است.

صدر ضیاء نیز به هنر شاعری فطرت اشاره کرده: به اقسام شعر و به انواع فن

نظیرش نباشد در این انجمن

به انشاء شعر و به انشاء نثر

فرید زمان است و ممتاز عصر

[...] به اشعار ملی، به احکام دین

به احیاء سنت، به رأی متین

به اعدای ملت بسی قیل و قال

نمودی به صد جهد در بدو حال

(ص ۷-۸)

موضوع مرکزی سروده های فطرت، میهن بوده است. صاحب تبروف درست گفته که «شعرهای فطرت، از جمله ترکیب بند «وطن من» در شمار شعرهای میرزا سراج حکیم، سید احمد صدیقی عجری، میرزا ابراهیم جرأت، صدرالدین عینی

صاحب تبروف سال ۱۹۲۴ م. در روستای چارره ناحیه مؤمن آباد استان ختلان در تاجیکستان به دنیا آمده است. وی سال ۱۹۴۳ م. دانشگاه تربیت معلم شهر دوشنبه را در رشته زبان و ادبیات به پایان برده، همان جابه تدریس مشغول شد. وی سال ۱۹۵۲ به دانشگاه ملی تاجیکستان آمد و تا سال ۱۹۶۲ م. به عنوان معاون علمی ادای وظیفه نمود؛ از سال ۱۹۶۲ تا ۱۹۸۰ م. ریاست کرسی ادبیات معاصر و نظریه ادبیات را بر عهده داشت. اکنون نیز همان جامشاور است.

پروفسور تبروف سال ۱۹۵۳ م. به عضویت فرهنگستان علوم تاجیکستان پذیرفته شده است. وی عضو هیأت تحریریه دانشنامه شوروی تاجیک بود که در هشت مجلد به چاپ رسیده است. استاد تبروف در شمار پژوهشگران پرکار می آید: بیش از چهارصد کتاب و مقاله به قلم ایشان تعلق دارد که مهم ترین آنها «پیرو سلیمانی» (سال ۱۹۶۲ م)، مجموعه مقالات «حیات، ادبیات، رئالیسم» در چهار کتاب (سالهای ۱۹۶۶-۱۹۸۴) به شمار می آیند. تعدادی از تألیفات سالهای اخیر پروفسور صاحب تبروف در پایان معرفی می شوند.

### چند کتاب از صاحب تبروف

پروفسور صاحب تبروف عضو فرهنگستان علوم تاجیکستان، در ظرف چند سال اخیر تعدادی کتاب به چاپ رسانده که چندی این است:

#### ۱- «بیانات سیاح هندی» فطرت (دوشنبه، ۱۹۹۹؛ ۶۳ ص).

این رساله دومین کتاب منشور عبدالرؤف فطرت (۱۸۸۶ م. - ۱۹۳۸ م) است که سال ۱۹۱۲ م. / ۱۳۳۰ ه. در استانبول به چاپ رسید. مؤلف، از طریق مسافر هندی همه نارساییهای فرهنگی و سیاسی بخارای آن روزگار را به قلم داده است. از جمله، درباره امرای



## دکتر رحیم مسلمانیان قبادیانی

در این کتاب درسی زندگی نامه پیامبر اکرم با زبانی ساده و شیرین به قلم آمده است.

### ۴- تقدیر فاجعه یک شاعر تاجیک (دوشنبه، ۲۰۰۱؛ ۱۰۰ ص).

سعدالله ربیعی که سال ۱۸۸۳ م. به دنیا آمده، سال ۱۹۳۸ م. در زندان شوروی در گذشته، و در ۱۱ سپتامبر سال ۱۹۵۹ م. بی گناهی اش، ثابت شده است، از شاعران مشهور مردمی سالهای بیست و سی سده بیستم میلادی به شمار می آید. وی شاعری بوده که سرنوشت تلخی را در پیشانی داشته: در سن ۱۲ که از پدر ماند، ملک پدری را مُشت زوران غصب کردند و در زمان شوروی بنا بر تهمتی به ناحق زندانی شد...

ربیعی شاعری مردمی بوده، به گفته صاحب تبروف، شعر سنتی را با نظم مردمی پیوند می زند. وی تازمان انقلاب بلشویکها دیوان اشعار داشته، و با تخلص «حصار عشق» شعر می سروده است.

### ۵- اساسهای نظری نقد ادبی (دوشنبه، ۱۹۹۹؛ ۲۴۴ ص).

این کتاب که به عنوان دستور تعلیم نگاشته شده، شامل یازده بخش است، از جمله:

ناقد، یعنی عالم و ایجاد کار؛ اصول متدولوژی تحلیل در نقد ادبی؛ ژانرهای نقد ادبی؛ جایگاه نقد ادبی در ادبیات شناسی؛ ویژگیهای ژانری نقد ادبی؛ انواع منفی نقد ادبی؛ استخوان بندی در نقد ادبی؛ سبک نقد ادبی.

در پایان این گزارش کوتاه، واجب است اشاره شود که اگر منابع سرچشمه ها به طور دقیق ذکر می شد، ارزش علمی این کتابهای ارزشمند، باز هم افزون تر می گشت.

و دیگران» در خودشناسی ملی نقش داشته اند. (ص ۲۳)

### ۳- مولود شریف یا خود مرآت خیر البشر (دوشنبه، ۲۰۰۳؛ ۷۹ ص).

این دفتر با خواهش عبدالقادر شکوری سمرقندی، در سال ۱۹۱۲ م. نوشته شده، سال ۱۹۱۴ م (۱۳۳۳ هـ) در تاشکند به چاپ می رسد. مولود شریف... منظوم بوده، چنین آغاز می یابد:

بسم الله الرحمن الرحيم

هست حجاب در کات جحیم

نام خداوند زمین و آسمان

به که به ما باشد ورد زبان

(ص ۴)

در این کتاب که برای مکتبیان نوشته شده است، فطرت کوشیده تا خواننده از نوجوانی به خانه و جای و محیطش متوجه باشد، دل بندد و دوست بدارد؛ کوشا و جویا باشد، چنانچه:

چون بشریت به زمین پانهاد

کرد بناخانه و مأوانهاد

ساخت زمین را به امور زمان

از طرف خویش بسی شادمان

کرد چنان سعی که این تیره خاک

گشت چو آیینۀ مهتاب ناک

کرد خودش سعی، خودش بهره دید

گشت خودش تخم، خودش بدروید

ساخت زمین شاد، خودش شاد زیست

آنکه ندیدست مکافات چیست

(ص ۶)